JAMIA HAMDARD CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
Acc. No. 2573
Date 23.3.05

بسم الله الرحمن الرحیم

کتاب نهم اندر احوال چیزهاء زیان کار و زهرها و دفع مضرت آن و علاج آن

و این کتاب را بتازی کتاب السموم گویند و این دو گفتارست و سه فصل
گفتار اول اندر احتیاط کردن از زهرها و یاد کردن زهرها بر طریق کلی و قانون
علاج زهرها و یاد کردن داروهاء زیان کار معدنی و نباتی و علاج آن و این گفتار
ده بابست **باب اول** اندر احتیاط کردن تا اگر زهری دهند اثر نکند **باب دوم**
اندر یاد کردن احوال و انواع زهرها بر طریق کلی **باب سوم** اندر آنکه چگونه توان دانست
که زهر کدام نوع داده اند **باب چهارم** اندر قانون علاج زهرها **باب پنجم** اندر یاد کردن
داروها که مضرت همه زهرها را دفع کند **باب ششم** اندر داروها معدنی که مردم را زیان دارد **باب هفتم**
اندر داروهاء نباتی که گوهر آن بدست **باب هشتم** اندر داروهاء گرم زیان کار **باب نهم** اندر داروهاء
سرد زیانکار **باب دهم** اندر زهرهای حیوانی **گفتار دوم** اندر گزیدن ماران و جانوران
زیانکار و زهرناک بر طریق کلی و نیز پرانیدن حشرات بر طریق حیله و تفصیل این گفتار
هفت بابست **باب اول** اندر تدبیر کلی در علاج گزیدن ماران و جانوران زهرناک
باب دوم اندر یاد کردن داروها که از بهر گزیدن جانوران زهرناک خورند **باب سوم**
اندر طلیها که بر گزیدن جانوران زهرناک طلی کنند **باب چهارم** اندر داروها که بر خوشتن

JAMIA HAMDARD
قسم المخطوطات

الجز اول ٨١
من جملة علم از الکتاب
[redacted]

Acc 2573
~~85/5~~
~~702~~

JAMIA HAMDARD ☆ NEW DELHI ☆ CENTRAL LIBRARY
ACC No. 2573
Date 23.3.05

JAMIA HAMDARD
MSS COLLECTION
قسم المخطوطات

و معجونها و داروهای نافع لیکن چون دفع مضرت چیزهای زیانکار است و یاد کردن یادی
بایست کرد چاره نبود از آنکه چیزهای زیانکار یاد کنند و از یاد کردن آن استشعار
آن می باشد که مردمان کم دانش و ناپاک و دغاق و کودکان چیزهای زیانکار برانند و ا
ز آن آفتها تواند بود چنانکه بسیار دیده اند و شنوده اند که دو زن و در خانه یک کدخدای
بوده اند هر دو قصد زیان یکدیگر داشته و چیزها طلب کرده که یکدیگر را هلاک کنند بدین
سبب اگرچه این کتاب را منفعت سخت بزرگ است و سبب خلاص او میان است از
زهرهای جانوران و زهرها که بالاتفاق خورده شود ماکسی دیداز بن مضرت خالی نیست که بعضی
چیزهاست که هر کسی نداند که در آن مضرتی است و زیان کننده است و زیان چون در کتاب
بخوانند بر آن واقف شوند و بدین سبب بایستی که این کتاب جز در خزانه پادشاهان
نبودی و طبیبان این علم اندر هر کتابی یاد نکردندی و این علم را از جمله علوم مستور داشتندی
چون اسرار علم کیمیا و غیر آن لیکن چون متقدمان طبیبان و متاخران نیز این علم
اندر کتابها یاد کرده اند این کتاب را ازین علم خالی نشایست کرد لیکن صواب
چنان دیده آمد که نام چیزهای زیانکار و خواص و فعل آن بتازی تا بوجهی پوشیده
تر باشد و دفع مضرت و علاج بپارسی یاد کرده آید تا ظاهرتر بود و منفعت آن عام
تر اگرچه نام داروهای زیانکار و خاصیت فعل آن اندر کتابها بتازی و پارسی دیگر آن
یاد کرده اند حکیم آن کتاب نوشته نبایسته که مردمان بجویند و بخوانند اولیتر داشته
آمد که ایمنی بر سمع و خاطر هر کسی بسبب این کتاب تازه نگردد و مقصود ازین منع مضرت
و بسیاری منفعت است از ایزد تعالی توفیق و معونت خواسته آمد هو الموفق و ا
لمعین گفتار اندر احتیاط کردن زهرها و یاد کردن انواع زهرها بر ترتیب کلی و قانون
علاج زهرها و یاد کردن داروهای زیانکار معدنی و نباتی و حیوانی و علاج آن
و این گفتار ده باب است باب نخستین اندر احتیاط کردن تا کسی زهری خورده نبود

با کی

طلا کنند تا جانوران زیانکار دور باشند **باب پنجم** اندر داروها که در خانها بگسترند و دود کنند
تا حشرات بگریزند **باب ششم** اندر یاد کردن داروها که بعضی جانوران را بکشند **باب هفتم**
اندر تدبیر دور کردن جانوران زیانکار بر طریق تفصیل **گفتار سیوم** اندر گزیدن مار و علاج
آن و این گفتار چهار بابست **باب اول** اندر یاد کردن انواع ماران و احوال گزیدن ایشان
باب دوم اندر یاد کردن مارانی که طبقهٔ اول اند **باب سیوم** اندر گزیدن مارانی که در طبقهٔ دوم اند
باب چهارم اندر گزیدن ماران که زهر ایشان ضعیفست **گفتار چهارم** اندر گزیدن مردم و سگ
و گرگ و غیر آن و این گفتار دوازده بابست **باب اول** اندر گزیدن مردم **باب دوم** اندر گزیدن
سگ که دیوانه نباشد و گرگ و غیر آن **باب سیوم** اندر صفتها سگ و گرگ و شغال دیوانه **باب چهارم**
اندر یاد کردن حالها که از گزیدن سگ دیوانه پدید آید **باب پنجم** اندر گزیدن سگ دیوانه و غیر
دیوانه و از موحق آن **باب ششم** اندر علاج گزیدن سگ دیوانه **باب هفتم** اندر گزیدن یوز
و پلنگ و شیر و جراحت بچه و چنگال آن **باب هشتم** اندر گزیدن تمساح **باب نهم** اندر
گزیدن گربه **باب دهم** اندر گزیدن بوزنه **باب یازدهم** اندر گزیدن راسو **باب دوازدهم** اندر
گزیدن بوغالی **گفتار پنجم** اندر گزیدن حشرات و این گفتار یازده بابست **باب اول** اندر
زخم کزدم دشتی **باب دوم** اندر زخم کزدم جراره **باب سیوم** اندر گزیدن رتیلا **باب چهارم**
اندر گزیدن عنکبوت **باب پنجم** اندر گزیدن شبتش و دیگر کس **باب ششم** اندر گزیدن بسیار
پای **باب هفتم** اندر گزیدن کرباسه **باب هشتم** اندر گزیدن انواع زنبور **باب نهم** اندر
گزیدن مورچه **باب دهم** اندر زخم کزدم دریائی **باب یازدهم** اندر گزیدن صفدع دریائی
چون این کتاب تمام نشود بتمام شدن این دو جزوه تمام کرده و اندر آخر این کتاب سه فصل
یاد کرده آمد **فصل اول** اندر عذر بر تمام شدن این کتاب **فصل دوم** اندر عذر تقصیری
که این کتاب هست **فصل سیوم** اندر عذر ناطبیبان از جهة بیماری که ایشانرا افتد بباید
دانست که مقصود ازین کتاب دفع مضرت جنبندهای زیانکارست و یاد کردن پاذهرها

یکی آنکه مضرت او از کیفیت او باشد دیگر آنکه گوهر او قصد گوهر مردم باشد اما آنچه
مضرت او از کیفیت او باشد چهار گونه است اول آنکه داروها خورند و لوی سانند
چون ارنب بحری دوم آنکه داروی بود گرم و سوزاننده چون فرفیون سیوم آنکه
داروی بود سرد و فسرانده چون افیون چهارم چهارم آنکه داروی بود و چون اندر
تن آید راه دم زدن که در همه تن است بگیرد و سده آگند چون مرتشک و آنچه
گوهر او ضد گوهر مردم بود چون بیش است و چون قرون سنبل و چون بلهل که میگویند
جمع است با جمع قرون سنبل یا جمع چیزی دیگر و چون مراره نمر و آنچه ازین نوع است
بترین زهرهاست و بعضی زهرهاست که جمله بر یک اندام آرد و مضرت او اندران اندام بود
چون ذراریح که مضرت او اندر مثانه بود و چون ارنب بحری که مضرت او اندر شش بود
و بعضی است که مضرت او همه تن بود چون افیون و بباید دانست که مضرت زهرهای سرد اندر
حرارت نیز آن مزاج گرم کمتر باید که باشد و بوجهی بیشتر اما آن وجه که مضرت آن کمتر بود
آنست که مزاج گرم گوهر آن را لطیف کند و شریانهای او بحرکت و انقباض بدل کند و بدین
سبب مضرت آن بیشتر بود خاصه که مزاج ضد مزاج دل بود و عجب نیست اگر حال داروی
گرم همین بود از بهر آنکه مزاج سرد با مزاج داروی گرم باز کوشد و آنرا دفع کند و
تحلیل کند لیکن از بهر آنکه حرکت شریانها و دل قوی تر بود آنرا بحرکت انقباض بخویشتن کشند
تا مضرت بدین سبب بیشتر بود و جالینوس گوید از بهر آنکه معنی ترکان یا نوعی دیگر از زهرها
قاتل مردم را هلاک کند و سمار را اتباری زر اسفر بر کوبند زیان ندارد از بهر آنکه اندر تن
او در رود کند رنج نکند و بدل او پس از آن می رسد که از حرارت او منفعل شده باشد و از حال
خویش بگردیده و نزدیک آن شده که غذا گردد و اندر مردم زود کار کند و منفعل بیشتر او
میرسد بسبب حرارت مزاج و قوت حرکت شریانها و خواجه بوعلی ابن سینا میگوید این
سخن است لیکن مناسبت میان قوت فاعله و منفعله شرط است و جالینوس را از کی معلوم شده است

بلد